

## کاوش‌های باستان‌شناختی محوطهٔ ۷۶ تنگ بلاغی، پاسارگاد

علیرضا عسکری چاوردی و پی‌یر فرانچسکو کلیری

دانشگاه شیراز و دانشگاه بولونیا

## درآمد

هیئت‌های باستان‌شناسی متعدد در کاوش‌های نجات‌بخشی سد سیوند در تنگ بلاغی کاوش کرده‌اند، اولین آنها هیئت باستان‌شناسی مشترک ایرانی و ایتالیایی است. این هیئت باستان‌شناسی با حمایت پژوهشکده باستان‌شناسی، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، دانشگاه بولونیا و مؤسسه ایسیانو موفق شد در سه فصل کاوش طی سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ اطلاعات باستان‌شناختی گسترده‌ای از دوره‌های هخامنشی و فرا هخامنشی در منطقه فارس به‌دست آورد.

شناخت دوره هخامنشی و به‌ویژه تحولات فرهنگی پس از این دوره در منطقه فارس از این دیدگاه حایز اهمیت است که در محدوده زمانی سقوط هخامنشیان تا ظهور ساسانیان اطلاعات باستان‌شناختی نادر است. نداشتن شناخت صحیح از فرهنگ منطقه فارس در محدوده زمانی سقوط هخامنشیان، حاکمیت کوتاه سلوکیان، دوره شاهک‌های محلی فارس و در دوره اشکانی نوعی خلأ تاریخی در این بخش از تاریخ سرزمین ایران به‌وجود آورده در عین حال شناخت تحولات تاریخی ناحیه فارس به‌عنوان خاستگاه مهم‌ترین حکومت‌های سازمان یافته ایران باستان، هخامنشیان و ساسانیان، اهمیت ویژه دارد. هیئت مشترک ایرانی-ایتالیایی به این دلایل و علاقه به شناخت بیشتر منطقه فارس، از بین محوطه‌های متعدد در تنگ بلاغی، دو محوطه ۷۶ و ۷۷ برای کاوش برگزیده شد. شناخت نسبی از وجود احتمالی فرهنگ دوره‌های

فراهمنشی در این محوطه‌ها طی بررسی‌های تنگ بلاغی (عطایی ۱۳۸۳) ممکن شد.

از نظر موقعیت جغرافیایی، جایگاه فرهنگی - تاریخی و نیز اهمیت منابع زیستی تنگ بلاغی می‌توان گفت در واقع این محل دره عریضی است که رودخانه پلوار در آن جریان دارد. این دره در حد فاصل پاسارگاد و تخت جمشید واقع است. بسیاری از سفرنامه‌نویسان این مسیر را دیده‌اند، همچنین در متون جغرافیای تاریخی فارس بر اهمیت آن به‌ویژه در دوره‌های کهن تأکید شده است. شاید موقعیت مناسب آن - یعنی نزدیکی به پاسارگاد و تسهیل دسترسی از تخت جمشید به شهر استخر و شیراز از این گذرگاه در دوره‌های پیش‌ازاسلام و اسلامی، از دلایل اهمیت آن باشد. در این محل، آثار کنده‌کاری بر صخره‌ها و همچنین سنگفرش‌های ممتد در طول رود پلوار وجود دارد. برخی از پژوهشگران بر وجود راه شاهی در این قسمت تأکید دارند و دلیل آنها همین سنگفرش‌ها و کنده‌کاری‌ها در دره بلاغی است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت این آثار، نزدیک بودن آنها به پاسارگاد و واقع شدن آنها در چشم‌انداز تاریخی - فرهنگی محوطه ثبت شده در فهرست آثار جهانی بود. در منطقه پاسارگاد، رودخانه پلوار پس از گذشتن از کنار آرامگاه کورش از طریق دره بلاغی به شهر استخر و شهر پارسه می‌رسد. این رودخانه به‌عنوان حلقه پیوند دو محوطه ثبت شده در فهرست میراث جهانی نه تنها در حکم یکی از چشم‌اندازهای تاریخی - فرهنگی، بلکه به دلیل منظر طبیعی و شکل‌گیری مهم‌ترین استقرارهای دوره تاریخی ایران

یعنی نخستین خاستگاه‌های امپراتوری هخامنشی و ساسانی در محدوده آن اهمیت فراوان دارد. جالب‌تر اینکه، در مسیر پیچ و خم‌های بستر طبیعی این رودخانه در سرتاسر درّه بلاغی ساختارهای معماری وجود دارد و گاه برای عبور از معبرهای تنگ، بخش‌هایی از صخره کوه را تراش داده‌اند. در کنار این مسیر، آثار متعددی از محوطه‌های دوره هخامنشی، کوره‌های ذوب فلز و گورهای سنگی به دست آمده است. همچنین پوشش انبوه گیاهان بنه و بادام کوهی، و فور آب و زمین‌های حاصلخیز در این دشت باعث شده از قدیم درّه بلاغی از مناسب‌ترین مناطقی بیلاقی مورد توجه عشایر سرحدات منطقه فارس باشد.

نخستین فصل کاوش هیئت باستان‌شناسی مشترک ایران و ایتالیا از ۵ تا ۲۲ اسفندماه در اواخر زمستان سال ۱۳۸۵، به سرپرستی علیرضا عسکری چاوردی (پژوهشکده باستان‌شناسی) و پی‌یر فرانچسکو کلیری از دانشگاه بولونیا، انجام و هیئت موفق شد با انجام دو فصل کاوش دیگر نتایج جالب توجهی از استقرار دوره‌های هخامنشی و فراهخامنشی در این محوطه‌ها به دست آورد. اعضای هیئت باستان‌شناسی طی سه فصل کاوش در این محوطه‌ها عبارت بودند از:

اسدی، احمدعلی. باستان‌شناس (بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد)، بنازی، استفانو. انسان‌شناس فیزیکی (دانشگاه بولونیا، ایتالیا). بیزارو، آنجلا. نقشه‌بردار (دانشگاه بولونیا، ایتالیا). کولیوا، لوکا. باستان‌شناس (دانشگاه بولونیا، ایتالیا). لورتی مارکو. باستان‌شناس (دانشگاه بولونیا، ایتالیا). سینسی، فابریزیو. کتیبه‌شناس و سکه‌شناس (مؤسسه ایتالیایی مطالعات آفریقا و شرق، رم، ایتالیا). تیلیا، استفانو. نقشه‌بردار (دانشگاه بولونیا، ایتالیا). زارع، فرهاد. باستان‌شناس (بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد). خوشبخت، سمیه. طراح (بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد). رهبر، شهرام. مرمت‌گر (بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد). نصیرزاده، کیمیا. باستان‌شناس (بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد). هاجر عسکری چاوردی، ژنومورفولوژیست و نقشه‌بردار (سازمان نقشه‌برداری). در دومین و سومین فصل کاوش عزیزالله رضایی و فضل‌ا... خالویی از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فارس، یولی بوگدانی، آلن

مرکورپالی، بیاجو ماسترانجلو و جورجیا بندتا کودینی، مونیکا موسکونی، از دانشگاه بولونیا، رحیمی‌فر از موزه ملی و شاهین و سعیده ولی‌شاهی، حمیدرضا کرمی و علی تقوا از بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد به هیئت اضافه شدند. بررسی‌های مغناطیست‌سنجی دو محوطه ۷۶ و ۷۷ را همکار گروه ایرانی بابک امین‌پور در چارچوب فعالیت‌های پژوهشی بنیاد پارسه - پاسارگاد انجام داد.

### موقعیت و بافت طبیعی

دو محوطه ۷۶ و ۷۷ در کوهپایه شرقی دشت درّه بلاغی، در فاصله ۱۳۰۰ متری شرق سد امروزی و ۸۰۰ متری شرق و جنوب شرقی رود سیوند (پلوار) واقع است. محوطه ۷۶ در دامنه غربی صخره‌ای در بخش شرقی درّه بلاغی و محوطه شماره ۷۷ در ۲۰۰ متری جنوب آن قرار دارد. در حد فاصل این دو محوطه سکونتگاه امروزی عشایر قشقایی واقع شده. محوطه ۷۷ به شکل تلی از خاک به ارتفاع کمتر از یک متر بود و بر سطح آن سازه‌های سنگی پراکنده و نامنظمی وجود داشت. حصارهای سنگی لاشه بزرگ در ردیفی به هم پیوسته پیرامون بخش مرکزی این محوطه وجود داشت. در بررسی سطح این محوطه فقط معدودی تکه سفال به دست آمد. به عکس، در سرتاسر محوطه ۷۶ در محدوده‌ای به وسعت یک هکتار آثار معماری لاشه‌سنگ‌های بزرگ در ردیف‌های گوناگون وجود داشت و نیز قطعه سفال‌های فراوانی بر سطح آن پراکنده بود. به همین دلیل، نخست این محوطه را برای کاوش انتخاب کردیم.

محوطه ۷۶ در کوهپایه واقع شده و به دلیل تهنشست‌شن و سنگریزه حاصل از شستشوی دامنه‌های بخش مرتفع کوه، آثار سطحی آن با لایه‌های متعدد رسوبات طبیعی پوشش یافته است. در سرتاسر سطح محوطه آثار استقراری سازه‌ها متشکل از سنگ‌های چیده شده نامنظم و در سرتاسر دامنه این قسمت این سنگ‌چین‌ها دیده می‌شود. سنگ‌ها به شکل‌های نامنظم و در اندازه‌های گوناگون با طرح‌هایی مربع‌مستطیل شکل بدون گوشه‌های منظم در اندازه‌های ۴، ۵، ۸، ۱۰ و ۱۰ متر است. بقایای ساختارهایی با کارکرد نامشخص از نظر طرح،

برای بررسی سطح محوطه تمام ساختارهای معماری سنگی مشهود طراحی و ثبت شد. در برخی موارد بقایای معماری سنگی به صورت چهارگوش بود و شکل نقشه یک اتاق را نشان می‌داد و در مواردی همین سازه‌ها به صورت نامنظم بر سطح پراکنده بود. شناخت کارکرد دقیق این سازه‌ها به سختی ممکن است. به همین دلیل، این آثار به عنوان «سازه‌های سطحی» نامگذاری و با نام اختصاری حروف نخست انگلیسی سازه معماری (س.ف) کدگذاری شد.<sup>۱</sup> لاشه‌سنگ‌های به‌کاررفته در این سازه‌ها از بخش‌های مرتفع‌تر کوه به پایین سرازیر و از آنها در این محوطه برای ساخت سرپناه استفاده شده است. در بخش شرقی این محوطه لاشه‌سنگ‌ها در ابعاد نامنظم و به رنگ خاکستری است. از نظر تکنیکی، در مواردی این لاشه‌سنگ‌ها در یک ردیف و در مواردی در دو ردیف به‌کار رفته است. هیچ‌کدام از این ساختارها محفوظ نمانده و در غالب موارد سازه‌ها از هم پاشیده است. در یک مورد سازه معماری به‌جامانده به احتمال به عنوان پی دیواری خشتی یا چینه‌ای ایجاد شده است. مشابه این نوع سازه، امروزه در پی سنگی دیوار خشتی خانه عشایر در محوطه ۷۷ وجود دارد. از این نوع سازه لاشه‌سنگی در بخش غربی محوطه ۷۶ هم وجود دارد و به نظر می‌رسد سازه‌های این قسمت به دوره‌های متأخرتر تعلق داشته باشد.

در مرحله سوم، شبکه مربعی در تمام سطح ایجاد و نقطه‌ای ثابت در مرکز ایجاد و بر اساس دو محور در راستای شمال - جنوب و شرق - غرب، این محوطه به چهار قسمت تقسیم شد. معیار انتخاب محدوده ایجاد شبکه‌ها بر وجود سفال بر سطح بود و مساحت تحت پوشش شبکه‌ها در مجموع ۸,۳۵۰ متر مربع شد. بر این اساس، در محور شمالی - جنوبی شبکه‌ها با اعداد و در محور شرقی - غربی با حروف الفبا نامگذاری شد. محدوده شبکه‌ها در اندازه ۵ در ۵ انتخاب و زوایای آنها با دوربین نقشه‌برداری کنترل و در بررسی سطح این محوطه در مجموع ۵۱۷۵ تکه سفال جمع‌آوری شد.

در واپسین مرحله، پس از ایجاد شبکه‌ها، تمام سفال‌ها در سطح هر شبکه جمع‌آوری شد. پس از

پراکنش و نسبت توزیع فضایی در این محوطه اهمیت دارد. به همین دلیل این سازه‌ها طراحی و با شماره‌های مشخص روی نقشه‌ها نشان داده شد. بین این بخش‌های پراکنده و نامنظم، تکه‌سفال‌هایی پراکنده بود. در بررسی روشمند تمام این سفال‌ها جمع‌آوری و مقدار آنها در بخش‌های گوناگون محوطه مشخص شد. حجم گسترده سفال‌های سطحی و میزان پراکنش آنها بر تمام سطح محوطه نشان داد که در این محوطه استقرار گسترده از دوره‌های هخامنشی و پس از آن وجود داشته است. با وجود درک اهمیت استقرار موجود در این محوطه، به دلیل واقع شدن آثار معماری این استقرار بر دامنه تپه و رسوب‌گذاری حاصل از نشست سالیانه مواد رسوبی بخش‌های مرتفع پس از باران در این قسمت، آثار استقراری به‌کلی ناپدید شده و درک وجود محوطه‌ای باستانی در این محل به سختی ممکن بود. به احتمال به همین دلیل، در گزارش بررسی بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد از تنگ بلاغی صرفاً به وجود استقرار فصلی و عشایری و نه استقرار گسترده در این محل اشاره شده است.

### بررسی سطحی: روش‌ها و نتایج

با توجه به اهمیت بررسی روشمند باستان‌شناختی برای درکی نسبی از توالی سکونت و مراحل استقرار در یک محوطه و تعیین گاهنگاری اولیه بخش‌های گوناگون آن و کمک به انتخاب مکان‌های مناسب کاوش، در نخستین گام با ایجاد شبکه‌های مربع در این محوطه سعی کردیم سفال‌های سطحی را به دقت بررسی کنیم. تهیه نقشه و بررسی آثار سطحی این محوطه پیش از کاوش با اهداف زیر انجام شد:

۱. تهیه نقشه از وضعیت عمومی محوطه و درک چگونگی عوارض آن؛
  ۲. ثبت آثار سطح الارضی؛
  ۳. تهیه نقشه توپوگرافیک و ایجاد شبکه مربعی؛
  ۴. جمع‌آوری سفال‌ها از شبکه‌ها.
- نخست، در راستای تهیه نقشه از وضعیت کلی محوطه و درک چگونگی عوارض آن: دو نقطه ثابت انتخاب شد. ارتفاع مطلق سومین نقطه ثابت از سطح دریا ۱۸۰۶ متر است.

جمع‌آوری سفال‌ها و ثبت اطلاعات مربوط به هر شبکه در جدول‌های آماری وزن، تعداد سفال، شماره سفال‌ها، تعداد کف، لبه، دسته، پایه، تزیینات، پوشش سطح و رنگ آنها به ثبت رسید. بر اساس نمودارهای آماری و تعداد قطعه سفال در هر شبکه موقعیت گمانه‌های کاوش را در بخش‌های گوناگون محوطه انتخاب و بر اساس تحلیل آماری انواع سفال‌ها از نظر شکل، رنگ، ساخت و پرداخت گاهنگاری نسبی آثار سطحی موجود در این محوطه را مشخص کردیم. در مجموع می‌توان گفت:

۱. موقعیت محوطه ۷۶ روی نقشه در ارتباط با دو نقطه ثابت دیگر یعنی سنگ‌چین‌های ممتد به اصطلاح راه شاهی در شمال غرب و محوطه شماره ۷۷ در جنوب آن روی نقشه مشخص شد. ارتفاع مطلق سطح محوطه از سطح دریا ۱۸۰۶ متر است.

۲. آثار سطح‌الارضی در این محوطه بیشتر سازه‌هایی متشکل از سنگ‌های بزرگ است که در بیشتر موارد به صورت پراکنده و نامنظم (بدون جهت مشخص) و در برخی موارد در ردیف‌های ممتد یا با طرح‌های چهارگوش نامنظم بر سطح محوطه وجود دارد. بیشتر این ساختارها در بخش غربی محوطه مشاهده می‌شود. بیشتر این سنگ‌ها سیاه‌رنگ هستند و از بخش جنوبی محوطه یعنی صخره‌هایی از جنس سنگ دولومیت جدا شده‌اند. هیچ اثری از خشت یا استفاده از مواد دیگر برای ساخت دیوار روی این پی‌های سنگی مشاهده نمی‌شود.

۳. در محدوده بخش کوهپایه تا محلی که صخره ارتفاع می‌گیرد ته نشست‌های رسوبی مواد شستشوشده از کوه به جای مانده که محدوده‌ای به وسعت یک هکتار را شامل می‌شود. در همین قسمت شبکه‌های مربع گسترده و محدوده‌ای به وسعت ۸۳۵۰ متر مربع شبکه‌بندی شد. امتداد شبکه‌ها در راستای محور شمالی - جنوبی محوطه و عرض آن در جهت شیب کوهپایه از شرق به غرب است. هر کدام از شبکه‌ها به مربع‌های ۵ در ۵ متر تقسیم و با حروف الفبای لاتین و اعداد نام‌گذاری شد.

۴. پس از ایجاد شبکه‌ها، همه سفال‌های سطح هر شبکه ۵ در ۵ متر به طور کامل جمع‌آوری شد. هدف از جمع‌آوری سفال‌ها انتخاب مکان مناسب کاوش و همچنین گاهنگاری محوطه بود.

بنابراین، با روشن شدن وضعیت سطح محوطه و آگاهی از پراکنش و موقعیت آثار سطح‌الارضی و درک میزان فراوانی تکه‌سفال‌ها در شبکه‌ها و نیز احتمال جابه‌جایی آنها به دلیل شیب سطح محوطه، موقعیت گمانه‌ها آگاهانه انتخاب شد.

### مغناطیس‌سنجی سطح

این محوطه در مساحت ۲۸۰۰ متر مربع پیمایش شده است و نقشه آنومالی‌گرادیان مغناطیسی آن تهیه شده است. این محوطه به سبب نزدیکی زیاد به کوه و در نتیجه همسان بودن ساختارهای احتمالی مدفون و بستر آن که هر دو سنگی است و همچنین کوچک بودن مساحت محدوده پیمایش، که تشخیص امتداد و دنبال کردن ساختارهای معماری را دشوار می‌کند، برای این پیمایش چندان مساعد به نظر نمی‌رسید؛ ولی با پردازش‌های لازم داده‌های ژئومغناطیسی، در نقشه به دست آمده ساختارهای معماری به همراه دیگر ساختارهای مدفون به خوبی آشکار شده است. برخی از آنومالی‌های مغناطیسی مربوط به معماری با فلش قرمز و آنومالی‌هایی که احتمالاً مربوط به ساختارهای حرارت‌دیده و خاک آشفته است با فلش آبی روی نقشه مشخص شده است. شباهت ساختار معماری به دست آمده از حفاری با تعدادی از آنومالی‌های مغناطیسی روی نقشه گویای وجود چنین ساختارهایی به شکل مدفون در این محوطه است.

### کاوش

بر اساس پراکنش سفال‌ها در سطح و همچنین با توجه به آثار سطحی نظیر سازه‌های پراکنده و همچنین با در نظر گرفتن رسوبات ته‌نشست‌شده در متأخرترین دوره، نخست مکان گمانه‌ها در شمال و جنوب محوطه انتخاب شد. در مورد پراکنش سفال‌ها به دلیل شیب محوطه از شرق به غرب و احتمال جابه‌جایی آنها و تراکم بیشتر آنها در بخش‌های غربی محوطه، برای رفع این مشکل سعی شد محل کاوش در محل تراکم سفال‌ها چند متر به طرف دامنه (به طرف شرق) انتخاب شود. نخستین گمانه کاوش در بخش شمال محوطه انتخاب شد؛ زیرا با توجه به وجود دو سازه سطحی در راستای شمالی - جنوبی با

فاصله  
بود.  
ارتباط  
سازه‌ها  
توجه  
گمانه  
نگه‌داشته  
انجام  
پاکسازی  
سنگی  
کاوش  
محدود  
ندارد؛  
H 13  
در  
25 و  
3، ش  
سازه  
موجود  
نظر  
تفاوت

ش. گمانه	شبکه
۱	H 13, I 13
۲	H 25
۳	J 23, J 24, J 25, K 23, K 24, K 25, L 24, L 25, و بخشی از شبکه‌های: L 26, I 24, I 25
۴	گور (خارج از محدوده شبکه‌ها)
۵	گور (خارج از محدوده شبکه‌ها)
۶	بخشی از شبکه‌های G 22, G 23
۷	بخشی از شبکه‌های G 12, G 13
۸	G 17, H 17, I 17
۹	بخشی از شبکه‌های J 13, J 14, K 13, K 14, L 13
۱۰	بخشی از شبکه C 4

جدول ۱. گمانه‌ها و مشخصات آنها در محدوده شبکه‌های کاوش، محوطه ۷۶

شمالی- جنوبی به طول ۶ متر کشیده شده بود (ساختار معماری ش. ۱۳). با این دیدگاه که احتمالاً این ساختار کارکردی متفاوت با یک اتاق یا بخشی از دیوار یک حیاط داشته و با احتمال وجود تراس‌بندی بر و وجود ساختارهایی بر سطح آنها، گمانه ۳ به فاصله ۵ متر بالاتر در شرق گمانه ۲ احداث شد. وجود آثار معماری متعدد به فاصله ۵ متری پشت این دیوار نشان داد که احتمالاً این دیوار برای همسطح کردن این بخش از کوهپایه احداث شده است. گمانه ۳، در واقع گسترده‌ترین محدوده کاوش در محوطه ۷۶ بود و بیشترین اطلاعات استقراری از شبکه‌های واقع در محدوده این گمانه به دست آمد. این گمانه در دو فصل گسترش داده شده و به همین دلیل محدوده‌ای وسیع از شبکه‌های ۵ در ۵ متر به شماره‌های J 23, J 24, J 25, K 23, K 24, K 25, L 24, L 25, بخشی از شبکه‌های: L 26, I 24, I 25 را شامل می‌شود. در دومین فصل کاوش، محدوده کاوش در امتداد گمانه ۳ گسترش یافت. زیرا در فصل یکم، ساختارهای معماری متعددی از این قسمت به دست آمد. در بخش جنوب غربی محدوده کاوش در گمانه ۳ و در محدوده شبکه J 24 طی فصل نخست دو خمره بزرگ آذوقه به دست آمده بود که در فاصله بین فصل یکم و دوم، این بخش تخریب شده و موقعیت لایه‌ها به هم ریخته

فاصله حدود ۴ متر، این قسمت مکان مناسبی برای کاوش بود. هدف اصلی از انتخاب این گمانه برای کاوش درک ارتباط سازه‌های موجود در سطح این قسمت با سایر سازه‌های موجود در سطح محوطه بود. محل کاوش با توجه به آثار موجود بر سطح انتخاب شد. کاوش این گمانه در شبکه H 13, I 13 در ابعاد ۵ در ۱۰ متر و با نگاه داشتن ۵۰ سانتی‌متر از حاشیه داخلی شبکه کاوش انجام شد. ابتدا آثار سطحی، خار و سنگ‌های پراکنده پاکسازی و از محوطه عکسبرداری شد. وجود سازه‌های سنگی و سفال بر سطح، دلیل انتخاب این قسمت برای کاوش بود. کاوش نشان داد که لاشه‌سنگ‌های بزرگ در محدوده شبکه I 13 طبیعی است و به سازه‌ای ارتباط ندارد؛ لذا کاوش در این قسمت متوقف شد و در شبکه H 13 ادامه یافت.

دومین و سومین گمانه هر کدام به ابعاد ۵ در ۵ متر در بخش جنوبی محوطه کاوش شد. ابتدا گمانه H 25 و سپس به فاصله ۵ متر در شمال شرقی آن گمانه ۳، شبکه J 24 کاوش شد. هر دو شبکه برای شناخت سازه‌های موجود بر سطح آنها انتخاب شد؛ زیرا معماری موجود بر سطح هر دو گمانه نه تنها متفاوت بود بلکه از نظر ساختار با سایر سازه‌های دیگر در سطح محوطه هم تفاوت داشت. دیوار بلند موجود در گمانه ۲ در راستای



بود. به همین دلیل، کاوش به طرف جنوب شرقی شبکه J 24، در محدوده شبکه J25 و به طرف شمال شرقی در محدوده شبکه های K24 و K25 گسترش یافت. به این ترتیب، وسعت محدوده کاوش در این قسمت از محوطه در این فصل به ۹ در ۹ متر رسید. بعداً برای درک وضعیت معماری این قسمت بخش‌هایی از دو شبکه I24 و I25 در راستای امتداد سازه معماری موجود در آن کاویده شد.

پس از دو فصل کاوش، هیئت تصمیم گرفت پیش از به زیر آب رفتن این قسمت، اطلاعات تکمیلی بیشتری از محوطه به‌ویژه از سازه‌های معماری و اتاق‌های کشف شده در محدوده گمانه ۳ به‌دست آورد؛ بنابراین اهداف کاوش فصل سوم بیشتر به درک سازه‌های وسیع معماری در گمانه ۳ در جنوب محوطه و همچنین حفر چند گمانه در بخش‌های کمتر شناخته‌شده در شمال شرق، شمال غرب و بخش‌های مرکزی محوطه معطوف شد. در این فصل، شبکه‌های J 23، K 23 به ابعاد ۵ در ۱۰ متر در بخش شمال غربی و شبکه‌های L24، L25، L26 به ابعاد ۵ در ۱۵ متر در بخش شمال شرقی گمانه ۳ کاویده شد. همچنین، کهن‌ترین مراحل استقرار در محدوده ساختارهای معماری این قسمت شناسایی و طرح و نقشه سازه‌های اتاق کشف شده پیشین کامل شد. به قصد شناخت بیشتر مراحل استقرار کهن‌تر، بخش مرکزی حیاط خانه کشف شده در گمانه ۳ کاوش شد و نتایج ارزشمندی به‌دست آمد. لایه‌نگاری قدیم‌ترین ساختار معماری (مرحله ۵) نشان داد که چاله‌های متعددی از مراحل استقراری بالاتر کنده شده و سازه‌های این مرحله را دگرگون کرده است. برخی از این چاله‌ها مملو از سفال بود. درحقیقت هر کدام از این چاله‌ها منابع ارزشمندی از اطلاعات سفال‌های بالاتر فراهم آورد. از طرف دیگر، یک دیوار فرعی منشعب از نخستین ساختار، به طرف حیاط امتداد داده شده و از بلوک‌های سنگی چهارگوش، قلوه سنگ‌های کوچک و رُس بنا شده بود. ردیف موازی با این دیوار به‌دست نیامد. به‌احتمال آن دیوار در طی سکونت مراحل بعد از بین رفته یا هرگز کامل نشده است. شناخت نخستین مرحله سکونت در این قسمت در زیر سطح ساختار

معماری مرحله پنجم ممکن شد.

برای شناخت بیشتر حیاط و اتاق‌های واقع در گمانه ۳، دو شبکه J 23 و K23 در بخش شمال غربی آن کاوش شد. کاوش در این قسمت از سومین مرحله استقراری به‌دلیل واقع شدن آن در این قسمت در سطح شروع شد و تا مرحله ۵ ادامه پیدا کرد. محدوده کاوش در این قسمت مملو از لایه‌های متوالی ته‌نشست‌های حاوی شن، رُس و ریگ بود. بیشتر، مشابه این وضعیت، در گمانه ۲ در زیر دومین مرحله استقراری مشاهده شده بود، بنابراین مشخص است که جریان آب در فصول بارندگی در طی مراحل سکونتی ۵ تا ۳ از کنار اتاق بزرگ گمانه ۳ می‌گذشته و به همین دلیل بخش شمالی آن در محدوده دو شبکه J23 و K 23 با لایه‌های متوالی شن و ماسه پر شده است. این موضوع در دومین مرحله استقرار تغییر کرده، به این ترتیب که دیواری ممتد در امتداد شیب و در مقابل جریان آب در گمانه ۳ و هم در گمانه ۲ ساخته و ساختار معماری سطحی شماره ۱۱ برای ایجاد تراس و جلوگیری از ورود جریان سیلاب به اتاق مرحله دوم بنا شده است. روش کاوش و چگونگی ثبت و ضبط واحدها به این ترتیب بود که تمام واحدهای کاوش نظیر ته‌نشست حاصل از مواد رسوبی یا مواد فرهنگی، سازه‌ها، ساختارهای معماری، کف، پی، اجاق و گودال‌های زباله با شماره‌های مسلسل از نخستین واحد مشخص و بر اساس کارکردهای احتمالی قابل تشخیص نام واحدها تفکیک شده، اما شماره آنها در همه موارد بر اساس اولویت پیدایش است. در نمودار هریس چگونگی ارتباط احتمالی همه واحدها ارائه شده است. همچنین برای تفسیر واحدهای گوناگون به‌دست‌آمده سه نوع ارتباط لایه‌نگاری برای واحدهای ساختمانی، رسوبی و واحدهای پرشده<sup>۳</sup> و بریده‌شده<sup>۴</sup> تعریف شد.

### سکونت دوره پیش از تاریخ

کهن‌ترین مدارک فرهنگی در محوطه ۷۶ از گمانه ۱ و ۷ به‌دست آمد. هر دو گمانه در بخش شمالی محوطه قرار

1. Structure
2. Deposit
3. Fill
4. Cut

اطراف آن، شش مرحله استقرار در سطوح سکونتی گوناگون به دست آمد. نخستین مرحله سکونت، که با ساختار معماری همراه بود، به مرحله پنجم تعلق داشت. ساختارهای معماری این مرحله سکونتی از یک دیوار بزرگ لاشه‌سنگی تشکیل شده بود و همین دیوار را در تمام مراحل سکونت بعد مرمت و استفاده مجدد کرده بودند. این دیوار در بخش جنوب شرقی محدوده کاوش واقع بود. دومین دیوار از پنجمین مرحله استقراری، دیواری متشکل از بلوک‌های سنگی مربع شکل بزرگ بود که در بین بلوک‌های آن خاک رس و قلوه سنگ‌های کوچک به کار رفته بود. پنجمین و درواقع نخستین ساختار معماری روی یک سطح سکونتی کهن تر (مرحله ششم) بنا شده بود، که از آن مرحله ساختار معماری به دست نیامد ولی سفال‌ها و سطح سکونتی موجود در این مرحله به وضوح مشخص شد.

لایه‌نگاری نخستین مرحله سکونتی در این محوطه نشان داد که بر سطح این مرحله (مرحله ششم) به دفعات چاله‌هایی کنده شده بود. این چاله‌ها مملو از سفال بود. به نظر می‌رسد محدوده‌ای که از این مرحله در کاوش شناسایی شده، یک حیاط بوده است.

نتایج جالب توجه دیگر مربوط به کاوش بخش شمال غربی اتاق بزرگ در گمانه ۳ است که در آن قسمت از مرحله پنجم تا مرحله سوم با رسوب شن و ماسه و ریگ به کلی پر شده بود. بنابراین، مشخص شد که در مراحل استقراری پنجم تا سوم، آبرفت حاصل از شستشوی جریان آب باران از بخش‌های مرتفع دامنه از کنار اتاق بزرگ به طرف پایین سرازیر می‌شده است. البته باید به وجود دیواره‌های مصطبه‌مانند در این مراحل سکونتی و هدایت جریان‌های سیلابی به طرف پایین اشاره کرد.

سایر موارد جالب توجه، کشف دو تکه سفال بود که نبشته‌هایی را روی آنها کنده بودند. یکی از این سفال‌نبشته‌ها، که کامل‌تر باقی مانده بود متن آرامی داشت که کمیّت چیزی را نشان می‌داد و معنای آن «دو برابر» بود؛ سفال نبشته دیگر ناقص و شکسته بود و ساختار خط آن بیشتر به یونانی شباهت داشت تا آرامی. دومین مرحله سکونتی، که ساختار معماری داشت، مرحله چهارم بود. ساختارهای معماری این مرحله در

داشتند و آثار روی خاک بکر دامنه تپه واقع بود. دو مرحله استقرار از اواخر دوره پیش از تاریخ منطقه فارس، فرهنگ باکون الف، شناسایی شد که در حد فاصل آنها یک لایه رسوب طبیعی وجود داشت. ساختار معماری مرتبط با این مراحل سکونتی به دست نیامد و تنها یافته‌ها تیغه‌های سنگی و سفال بود. احتمال دارد که یک گور کاوش شده در بخش شمال شرقی محوطه به این دوره تعلق داشته باشد. سطح این گور با سنگ‌های بزرگ پوشانده شده بود. یکی از دو گمانه کاوش شده در این قسمت، گمانه ۴، گوری را با تدفین جنینی شکل شامل می‌شد که سر آن از بین رفته بود. چاله این گور کم عمق و بیضی شکل بود و دورتا دور حاشیه قلوه سنگ چیده بودند. این گور میان تخته‌سنگ بزرگی قرار داشت و راستای تدفین شمالی - جنوبی با جهت غرب و سرو گردن رو به جنوب بود و ساعد روی سینه قرار داشت. احتمال دارد سر جنین در حادثه‌ای جدا شده باشد. هیچ شیئی درون چاله گور وجود نداشت. از اسکلت برای تاریخ‌گذاری مطلق در آزمایشگاه دانشگاه لچه استفاده شد. تاریخ تعیین شده  $3428 \pm 65$  سال قبل بود و تاریخ کالیبره شده با احتمال ۹۵.۴ درصد، بین ۱۹۰۰ تا ۱۶۰۰ پیش از میلاد است.

این گور به نمونه تدفین‌های محوطه ۳۴ تنگ بلاغی شباهت دارد. هیئت ایرانی - آلمانی گورهایی را از دوره پیش از تاریخ با فرهنگ باکون الف کاوش کردند که راستای قرارگیری تدفین موجود در محوطه ۷۶ با آنها مشابه است.

### سکونت دوره هخامنشی و فراهخامنشی

مدارک مستدلی از سکونت با ساختارهای معماری متعدد از دوره هخامنشی و فراهخامنشی در محوطه ۷۶ به دست آمد. یافته‌های این دوره‌ها در همه گمانه‌های کاوش شده وجود داشت. ساختار معماری گسترده‌ای که در چند مرحله مرمت و دوباره استفاده شده از گمانه ۳ به دست آمد. بخشی از یک خانه بزرگ در گمانه ۹ نمایان شد و سه دیوار مصطبه‌مانند از گمانه‌های ۱، ۲، و ۱۰ به دست آمد. در گمانه ۳ نتایج ارزشمندی هم از نظر معماری و هم از نظر توالی استقراری حاصل شد. در این قسمت علاوه بر شناسایی حیاطی بزرگ با اتاق‌هایی متعدد در

گمانه  
کاوش  
مزاری  
شد و  
سمت  
رُس  
۲ در  
براین  
ی در  
مانه ۳  
ده دو  
شده  
کرده،  
مقابل  
اختار  
گیری  
ست.  
ها به  
ست  
ه‌ها،  
زباله  
و بر  
دها  
س  
نگی  
نین  
نوع  
و  
و  
رار  
1. ۴  
2. 1  
3. 1  
4. 1



محدوده دیواری بزرگ قرار داشت. دیوارهای مرحله چهارم باریک و مصالح به‌کاررفته در ساخت آن خاک رس و قلوه‌سنگ‌های کوچک بود. این دیواره‌ها بسیار بد حفظ شده بود و به دلیل ازهم‌پاشیدگی شناخت دقیق اندازه آنها ممکن نبود. اشیاء یافت‌شده این مرحله سکونتی نشان می‌دهد که ساکنان آن زندگی مناسبی داشته‌اند. نمونه‌های یافت‌شده نظیر میله‌های مسی با سر تزئین‌شده (ش ۳۰)، یا میله‌های سربی با سر برگشته (ش ۲۲)، یا سنگ وزنه‌های چرخ‌نخ‌ریسی (۲۰) و پایه‌های استوانه‌ای شکل سنگی که در چند سطح استقرار به‌دست آمده (ش ۳۲) همگی نشان‌دهنده اهمیت و رونق فعالیت اقتصادی در چهارمین مرحله استقرار در این خانه است. ساختارهای معماری مرحله چهارم به کلی تخریب شده و از هم پاشیده است و به‌طور کامل سطح این مرحله را لایه‌ای از رسوب پوشانده است. به گونه‌ای که سطح این مرحله استقرار از مرحله سوم به‌خوبی قابل تفکیک بود.

سومین مرحله استقرار در این محوطه بهتر از سایر مراحل استقرار محفوظ مانده و می‌توان گفت واضح‌ترین مرحله استقرار در بین سایر مراحل است. کیفیت ساختار معماری و لاشه‌سنگ‌های به‌کار رفته در دیوار خیلی خوب حفظ شده و طرح و پلان خانه در این مرحله به‌خوبی نمایان است. خانه یک حیاط بزرگ و حداقل دو اتاق در ضلع شمال شرقی داشته و بخش جنوب شرقی حیاط بزرگ به احتمال دارای ایوانی بوده که پایه‌های آن بر دو پایه‌ستون استوانه‌ای در بین دو دیوار جانبی استوار بوده است. در محل پیدایش یکی از این پایه‌ستون‌ها پی یک جرز متشکل از سنگ‌های قلوه با پلان دایره به‌دست آمد. ریشه این جرز یا پایه قلوه‌سنگی تاحدودی زیر کف این مرحله استقرار بود، اما این توده واقعاً جرز بود و یکی از پایه‌ستون‌ها در کنار آن به صورت فروافتاده به‌دست آمد. در همین قسمت دو خمره سفالی بزرگ به‌دست آمد که هر دو در دو چاله کنده‌شده قرار داده شده بود. چاله پیرامون بدنه این دو ظرف با خشت و قلوه‌سنگ بنا شده بود؛ به این ترتیب خمره‌های آذوقه را در محلی مناسب در فضای ایجاد شده در کف مرحله سوم تعبیه و ثابت کرده بودند. دیواره نازک سنگ و گلی اطراف هر کدام از کوزه‌ها با یک لبه برجسته در حاشیه چاله

به صورت مناسبی برای قرار دادن ظروف بزرگ آذوقه طراحی شده بود. یکی از این دو ظرف بزرگ به‌طور کامل سالم مانده بود؛ شکل، حجم و اندازه این ظرف به ظروف بزرگ سفالی دوره هخامنشی از تخت جمشید و پاسارگاد شبیه بود. پس از تمیز کردن و مرمت ظرف، نقش کنده چند نقش مایه گیاهی بر سطح بدنه آن نمایان شد. در کنار دومین ظرف بزرگ سفالی شکسته شده در این قسمت، یک پیکان مفرغی سه‌پر بدست آمد که از نمونه‌های شناخته‌شده نوع هخامنشی است (ش ۱۰). همچنین در این مرحله چند سنگ ساب برای آسیا کردن غلات و چندین تکه ظرف بزرگ سفالی به‌ویژه در چاله‌های موجود در حیاط خانه به‌دست آمد که تمام این موارد نشان می‌دهد در سومین مرحله فعالیت‌های اقتصادی مناسبی در این خانه رونق داشته است.

در بین این یافته‌ها، یک میله سربی با سر پهن حایز اهمیت است (ش ۳۷)، از این نظر که نمونه‌های مشابه آن در شهر هلنی آی‌خانوم در باکتریا به‌دست آمده است. گرچه کارکرد این میله‌ها تاکنون روشن نشده، فرانکفورت می‌گوید که از این نوع ابزار در دِلوس در مصر به‌دست آمده و کارکرد آنها پاک کردن گوش بوده است.

یافته جالب توجه دیگر یک ظرف گلابی‌شکل پهن و ضخیم قرمز رنگ است.

در واپسین مرحله سکونتی در این قسمت، در بخش گود مرکز گمانه، یک پایه سنگ آهکی مخروطی‌شکل به‌دست آمد که به‌احتمال در فعالیت‌های خانگی کاربرد داشته است (ش ۱۶).

از آثار مربوط به واپسین دوره سکونتی دارای معماری (مرحله دوم)، دیوارهای دورتادور خانه را می‌توان ذکر کرد که طرح و نقشه این دیوارها در این مرحله تکمیل‌کننده مراحل پیشین است.

ساختار کلی طرح و پلان سازه‌های معماری شناسایی شده به این صورت بوده است که در بخش غربی یک حیاط بزرگ و در سمت شرقی در کنار آن حیاط بزرگ، حداقل چهار اتاق وجود داشته است.

در گوشه شرقی، دیوارهای بیرونی همراه با سطح شیب ارتفاع می‌گیرد و به همین دلیل در بنای دیوارهای خارجی از سنگ‌های بزرگ طبیعی استفاده شده است.

به ابعاد ۵ در ۱۰ و با یک بخش الحاقی ۵ در ۵ متر کاوش شد. نتایج کاوش از این گمانه ارزشمند بود، زیرا دو ساختار معماری متشکل از سنگ‌های لاشه بزرگ در این قسمت شناسایی شد. این سازه معماری در این قسمت، واپسین ساختار معماری بود که بلافاصله در زیر لایه سطحی نمایان شد. متأسفانه، محدودیت زمانی کاوش بیشتر را در این قسمت غیرممکن ساخت، اما وجود این سازه معماری نشان داد که حداقل در دوره فراهخامنشی بخش‌های شمالی این محوطه نیز مسکون بوده است.

از سایر یافته‌های جالب توجه در مورد این محوطه، ساختارهای معماری سطحی است که در تمام سطح پراکنده بود. بخش عمده‌ای از سنگ‌های به‌کاررفته در این سازه‌ها، سنگ‌های خاکستری‌رنگی بود که در دامنه صخره وجود داشت. به قصد شناخت بیشتر این نوع سازه، گمانه‌ای در محدوده شبکه C4 در محدوده شمال غربی محوطه کاوش شد. این قسمت در بخش مسطح تپه واقع بود و در فاصله کمی از آن در حاشیه تپه زمین کشاورزی وجود داشت. سازه‌های سطحی این قسمت با شماره ۷ در نقشه مشخص شده است. ایجاد یک گمانه در این قسمت بیشتر با هدف درک توالی گاهنگاری سازه موجود در پایین‌ترین بخش محوطه بود. نتایج کاوش در این گمانه تراکم انبوه سفال را در این قسمت نشان داد. این موضوع در بررسی سطحی نیز مشخص شده بود. همچنین، در این گمانه دو مرحله استقرار شناسایی شد، که خوشبختانه بافت لایه‌نگاری یافته‌ها به‌ویژه سفال‌ها به‌خوبی حفظ شده بود. نخستین مرحله استقرار در این گمانه دیواری بود که از دو ردیف لاشه‌سنگ بنا شده بود. و بین دو ردیف سنگ خاک رُس وجود داشت و با استفاده از قلوه‌سنگ‌های خُرد فضای بین دو ردیف منظم لاشه‌سنگ را پر کرده بودند. پی‌سازی دیوار به این روش سطح مناسبی برای ساختن دیواری خشتی فراهم کرده بود. از نظر فنون معماری و شیوه ساخت، این دیوار شباهت بسیار به سایر ساختارهایی داشت که در برخی از گمانه‌ها شناسایی شده بود. غالب ساختارهای معماری به این سبک را به دوره فراهخامنشی در این محوطه گاهنگاری کرده‌اند. این سازه به طور ممتد در تمام شبکه‌های B1, B2, C3, C5, C6, C7, C8, C9, C10

در گوشه جنوب‌شرقی اتاق بزرگ در محل دیوار شرقی - غربی ممتد و دیوار شمالی - جنوبی بخش داخلی این موضوع بهتر قابل درک است. در این قسمت، سنگ‌های طبیعی به‌کاررفته بیشتر از نوع دیوریت است که از جنس سنگ‌های موجود در کوهپایه این قسمت بوده و به‌کارگیری آن‌ها در ساخت بخش‌های پی دیوار به صورت نامنظم انجام شده است. اغلب بر سطح این دیوارها یک ردیف چینه به‌کار رفته و در مراحل استفاده مجدد دو ردیف سنگ قلوه در سطح لاشه‌سنگ‌های بزرگ طبیعی بخش پی، ایجاد شده است. این دو ردیف قلوه‌سنگ بر سطح لاشه‌های بزرگ سنگ طبیعی به صورت نامنظم چیده شده و دو ردیف با هم موازی نیست. دیوارهای مرحله دوم به این سبک ایجاد شده است. سبک معماری ساده است و اغلب از قلوه‌سنگ‌های کوچک و گل رس استفاده کرده‌اند و به همین دلیل دیوارهای این مرحله از هم پاشیده است.

مقدار زیادی رسوب طبیعی از بخش‌های مرتفع دامنه در این مرحله ته‌نشست و همراه آنها مقداری مواد فرهنگی دوره‌های گوناگون از سطح دامنه جابه‌جا و در این مرحله رسوب‌گذاری شده است. دلیل طرح این موضوع علاوه بر وجود ته‌نشست‌های طبیعی، وجود تکه‌سفال‌های دوره پیش‌ازتاریخ در کنار نمونه‌های شاخص سر پیکان‌های فلزی دوره هخامنشی است که نمونه‌های مشابه آنها از سومین مرحله سکونتی به‌دست آمده بود (ش ۲۳).

در چشم‌انداز کلی، وضعیت ریخت‌شناسی سطح محوطه در بخش کوهپایه، به‌ویژه در جایی که باریکه دره (محل جریان آب) به سطح دشت می‌رسد، نشان می‌دهد که انتقال و جابه‌جایی مواد فرهنگی از بخش‌های مرتفع‌تر به سمت پایین‌دست کوهپایه بدیهی است. بنابراین، جابه‌جایی سفال‌ها و واقع شدن احتمالی آنها در بافت‌های دیگر وجود داشته و این موضوع از مهم‌ترین مسائل پیچیده‌شدن لایه‌نگاری مواد فرهنگی این محوطه است. با وجود این، شناخت دقیق سطوح گوناگون سکونتی و ساختارهای معماری و درک ارتباط این سطوح با سازه‌های معماری تا حدود زیادی این مشکل را بر طرف می‌کند.

برای اطلاع بهتر از آثار معماری احتمالی در بخش‌های شمال شرقی محوطه به طرف دامنه شمالی تپه، گمانه ۹

امتداد یافته بود و بخش‌هایی از این سازه‌ها با شماره ۵ و ۹ در نقشه مشخص شده است. این دیوار به طول نزدیک به ۵۰ متر در راستای شمال به جنوب در بخش غربی محوطه امتداد یافته و به نظر می‌رسد احتمالاً دیواری دفاعی پیرامون بخش مسکونی دامنه بوده است. در همین مرحله، یک لایه خاک رس روی سطح یک تهنشست طبیعی جمع شده بود. محدوده این تهنشست در حدود ۵ در ۵ متر بود و سرتاسر سطح آن را یک ردیف قلوه‌سنگ کوچک پوشانده بود. این سطح در مقابل نمای دیوار دفاعی مرحله اول در بخش غربی محوطه قرار داشت.

سبک معماری این سازه با دیگر سازه‌ها نظیر سازه‌های معماری شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰، و ۱۶ مشابه است. این سازه‌های متشکل از یک ردیف قلوه‌سنگ به احتمال برای نگهداری رَمه کاربرد داشته بیش از اینکه دیوار دفاعی برای ساختمان‌های بخش بالای محوطه باشد. ساختارهای تک‌ردیفه سطحی از این نوع به‌ویژه در بخش غربی و شمال غربی محوطه در مقایسه با سازه‌های معماری بخش‌های بالاتر محوطه به‌ویژه سازه‌های دوره فراهخامنشی در محدوده گمانه ۳ نشان می‌دهد که بیشتر این سازه‌ها به دوره‌های متأخر تعلق داشته و دامداران از آنها برای نگهداری حیوانات استفاده می‌کرده‌اند.

کاوش در گمانه ۱۰ به دو دلیل حایز اهمیت بود. نخست اینکه کهن‌ترین مراحل استقرار موجود در بخش شمال غربی محوطه شناخته و ساختار معماری بخش مهمی از دیوار دفاعی این قسمت و شباهت سبک ساخت این دیوار با سازه‌های معماری بخش مسکونی محوطه و تعلق آنها به دوره فراهخامنشی مشخص شد. از طرف دیگر، سازه‌های معماری سطحی تک‌ردیفه در این قسمت از دیگر سازه‌ها تفکیک و به دلیل وجود سفال و مواد فرهنگی سده‌های اخیر به دوره‌های متأخر و مربوط به زندگی عشایر تشخیص داده شد.

گمانه ۸، به ابعاد ۵ در ۱۵ متر در بخش مرکزی محوطه در راستای شرقی - غربی حفر شد. هدف از حفر این گمانه شناخت وضعیت تهنشست‌های رسوبی و مسیر جریان سیلاب‌های فصلی از دامنه تپه به طرف دشت در این قسمت بود، زیرا بررسی‌های مغناطیس‌سنجی نشان داده بود که در بخش مرکزی محوطه تهنشست‌های

رسوبی حاوی شن و ماسه به مقدار زیاد متراکم است و ساختارهای معماری در این قسمت وجود ندارد. کاوش در این قسمت، نتایج بررسی و مغناطیس‌سنجی را تأیید کرد، زیرا در این قسمت هیچ سازه معماری وجود نداشت و لایه‌نگاری واحدهای گوناگون کاوش نشان داد که اغلب واحدها از رسوب شن و ماسه و ریگ تشکیل شده و معدود مواد سفالی در جریان آب در این قسمت تهنشست شده است. این تهنشست‌ها در تمام گمانه مورد کاوش وجود داشت.

تاریخ‌گذاری دو گور در گمانه‌های ۱ و ۷ نشان داد که این گورها به دوره فراهخامنشی تعلق دارد، اما این گورها با چاله‌های ایجادشده در مراحل متأخرتر به کلی تخریب شده و ارتباط لایه‌نگاری چاله گور در گمانه ۱ با سطوح سکونتی مرتبط از بین رفته بود، به گونه‌ای که نمی‌توان گفت چاله گور در کدام یک از سطوح سکونتی ایجاد شده بود. هر دو گور منفک و جدا بودند و تا شعاع ۵ متر در اطراف آنها تدفین دیگری وجود نداشت. چاله گور تاحدودی حفظ شده بود و بیضی‌شکل با تورفتگی‌هایی و کف آن گرد شده و حاشیه خارجی آن از بین رفته بود. با وجود تمام این مشکلات، استخوان‌شناس گروه موفق شد تا حدود زیادی استخوان‌ها را حفظ کند و اطلاعات ارزشمندی از آنها به‌ویژه از قسمت جمع‌جمده تدفین به دست آورد: جسد به حالت جنینی در راستای شرقی - غربی و رو به جنوب در چاله‌ای بیضی‌شکل دفن شده و ساعدش بین دو رانش قرار داده شده بود. پیش از برداشتن اسکلت، استخوان‌ها کاملاً تمیز و استحکام‌بخشی و سپس برداشته شد. یک نمونه ظرف در چاله گور شماره یک به دست آمد. این ظرف لیوانی دست‌ساز به رنگ خاکستری مایل به نخودی و کف آن مقعر (ش ۱۷) و در کنار بخش بالای بازوی سمت چپ اسکلت قرار داده شده بود. این ظرف به نمونه ظروف کشف شده در منطقه فارس شبیه نیست و تنها با نمونه ظروف گورستان هزاره دوم پیش از میلاد تپه گیان در بخش‌های شمالی ایران مشابهت دارد. بنابراین، نتایج تاریخ‌گذاری مطلق کربن ۱۴ از این ظرف در آزمایشگاه دانشگاه لچه در ایتالیا تاریخ  $2152 \pm 50$  سال قبل و تاریخ کالیبر شده آن حدود ۳۷۰ تا ۵۰ پیش از میلاد (با احتمال ۹۵ درصد) را نشان داد.

باستان‌شناسی به دلیل تلاش بی‌وقفه برای نجات آثار باستانی و مدیریت موفق ایشان در هدایت هیئت‌های داخلی و خارجی، دکترحسن فاضلی نشلی رئیس محترم پژوهشکده باستان‌شناسی و همکاران محترم وقت در واحد روابط بین الملل مژگان سیدین و کریم عزیزاده و دکتر طالبیان مدیر محترم بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد، مسعود رضایی منفرد، سرپرست محترم اداره میراث فرهنگی و گردشگری مرودشت، دیدارقلی سیاوشی در امور حسابداری، مازیار کاظمی در تخت جمشید، و فرهاد زارع در پاسارگاد و از لطف و مهربانی مدیریت محترم نماینده مجری طرح سد سیوند مهندس جامعهی و همکاران محترم ایشان و از مدیریت محترم وقت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فارس مهندس علیرضا قانديان و معاونت محترم حفظ و احیا مصیب امیری به دلیل همکاری و فراهم کردن امکان پژوهش برای هیئت اعلام می‌دارد. نیز، از پروفیسور نئولی رئیس مؤسسه ایسیائو به دلیل همکاری و تسهیل امور پژوهشی و حمایت‌های مالی از کاوش قدردانی می‌کنم.

علاوه بر این، یک نمونه سر پیکان با یک گردی در وسط بدنه و نوک مخروطی شکل از گمانه ۳ به دست آمد که با سر پیکان‌های سه‌پر هخامنشی متفاوت بود. این نوع سر پیکان به سبک هلنی به دوره فراهخامنشی تاریخ‌گذاری شده است (کلوزیو ۱۹۷۷: ۱۹۴). نمونه‌های سر پیکان آهنی از این نوع در این محوطه، از نظر وجود سکونت در دوره فراهخامنشی در این محل و نمونه ظرف سفالی کشف شده شبیه به ظرف بخش‌های شمالی ایران به عنوان تنها یافته موجود در یکی از گورهای این محوطه (گور ۱) حایز اهمیت است.

### قدردانی

هیئت مراتب قدردانی و تشکر خود را از الطاف مهندس سیدمحمد بهشتی مدیر محترم وقت پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و دکتر سید طه هاشمی مدیر پژوهشگاه به دلیل توجه به پژوهش‌های باستان‌شناختی و به‌ویژه همکاری‌های بین‌المللی در حوضه سد سیوند و از دکتر مسعود آذرنوش ریاست محترم وقت پژوهشکده

### منابع

- Askari Chaverdi, A. & Callieri, P. (2006) "A Rural Settlement of the Achaemenid Period in Fars", *Journal of Inner Asian Art and Archaeology* 1, pp. 65-70.
- Askari Chaverdi, A. & Callieri, P. (2007) "Kavoshha-ye nejatbakhshi dar Tang-e Bolaghi, Pasargad-Fars (mohavvate-ye 76 va 77)", in *Symposium on the Latest Results of Archaeological Excavations at Tang-e Bolaghi, Tarbiat Modares University, 20 January 2007*, Abstracts, Tehran, pp. 17-18.
- Boucharlat, R. (2003) "The Persepolis Area in the Achaemenid Period. Some Reconsiderations", in N.F. Miller-K. Abdi (eds.), *Yeki bud, Yeki nabud. Essays on the archaeology of Iran in honor of William M. Sumner* (Monograph Series, 48, Cotsen Institute of Archaeology), Los Angeles, University of California, pp. 261-265.
- Briant, P. (1976) " 'Brigandage', conquête et dissidence en Asie achéménide et hellénistique", *Dialogues d'Histoire Ancienne* 2, pp. 163-259.
- Briant, P. (1982) *Rois, tributs et paysans. Études sur les formations tributaires du Moyen-Orient ancien* (Annales littéraires de l'Université de Besançon 269), Paris.
- Cleuziou, S. (1977) "Les pointes de flèches «scythiques» au Proche et Moyen Orient", in J. Deshayes (ed.), *Le Plateau Iranien et l'Asie Centrale des origines à la conquête islamique. Leurs relations à la lumière des documents archéologiques*, Paris, 22-24 mars 1976, Paris, pp. 187-199.
- Forbes, R.J. (1958) *Studies in Ancient Technology*, VI, Leiden.
- Francfort, H.-P. (1984) *Fouilles d'Aï Khanoum. III. Le sanctuaire du Temple à niches indentées. 2. Les trouvailles* (MDAFA, XXVII), Paris.
- Guillaume, O. & Rougeulle, A. (1987) *Fouilles d'Aï Khanoum. VII. Les petits objets* (MDAFA, XXXI), Paris.

Petrie, F. (1927) *Objects of Daily Use with over 1800 Figures from University Colledge*, London, British School of Archaeology in Egypt.

Robinson, D.M. (1941) *Excavations at Olynthus. Part X. Metal and miscellaneous Finds, an original contribution to Greek life*, Baltimore.

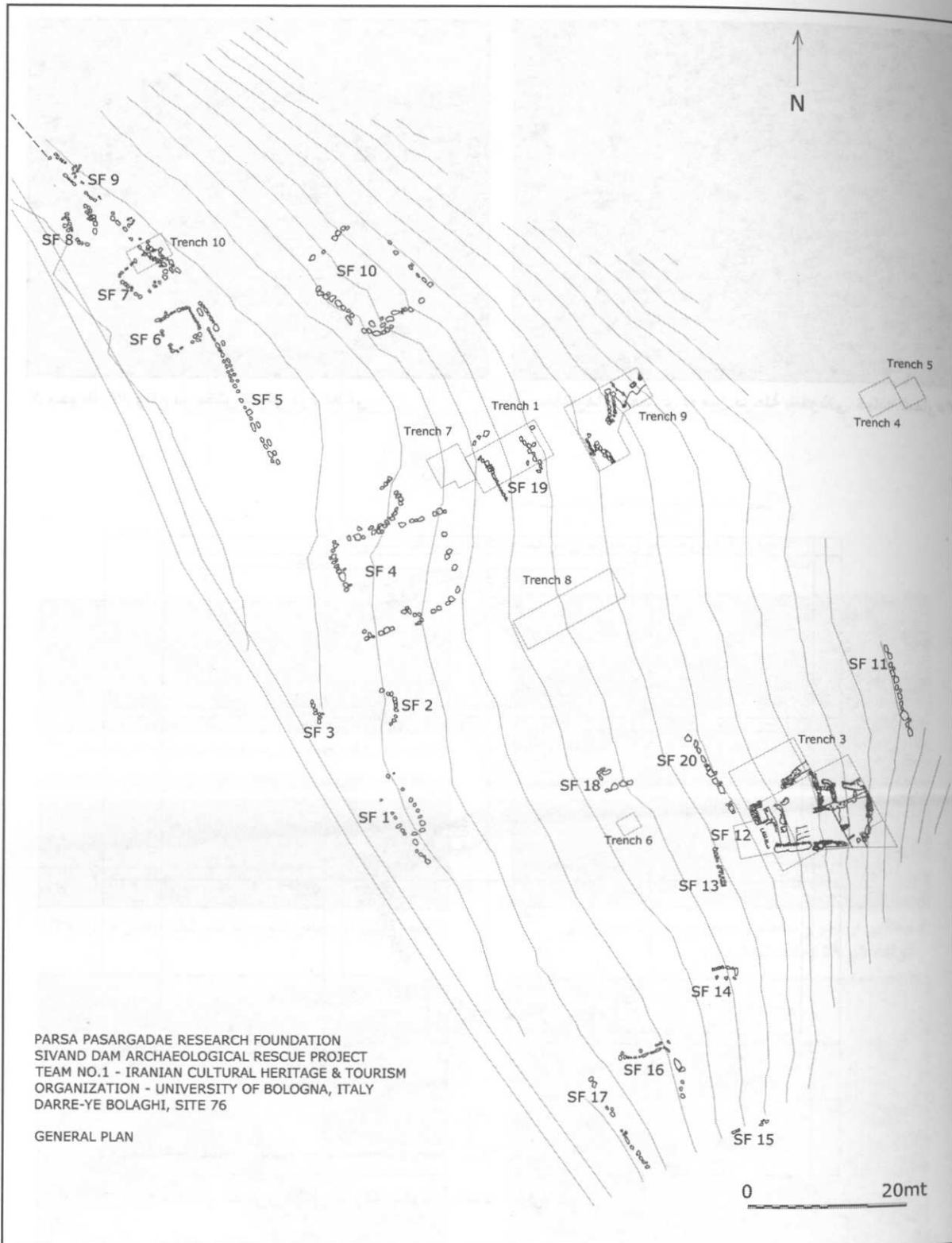
Stein, A. (1936) "An Archaeological Tour in the Ancient Persis", *Iraq* III/2, pp. 111-225.

Sumner, W.M. (1986) "Achaemenid Settlement in the Persepolis Plain", *American Journal of Archaeology* 90, pp. 3-31.

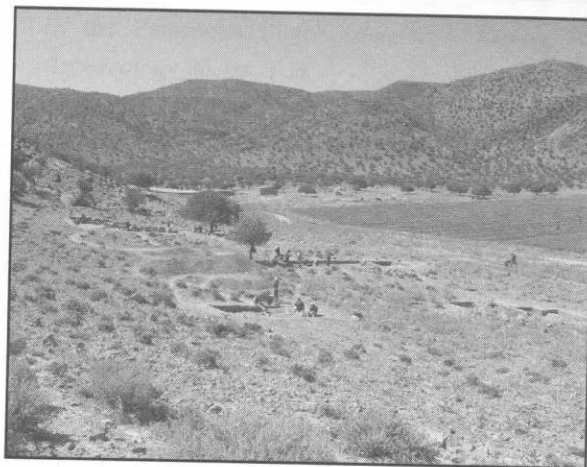
Thrane, H. (2001) *Excavations at Tepe Guran in Luristan. The Bronze and Iron Age Periods*, Moesgaard.

Vanden Berghe, L. (1964) *La nécropole de Khurvin*. Istanbul.



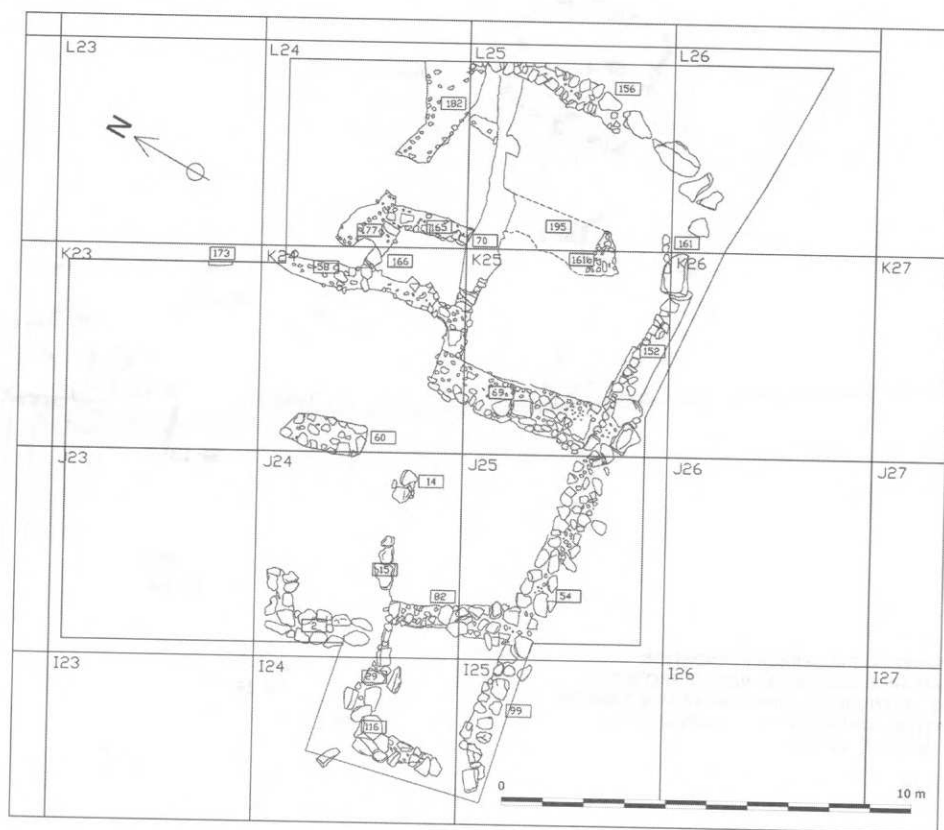


۱. توپوگرافی سطح محوطه و موقعیت گمانه‌ها در محوطه ۷۶

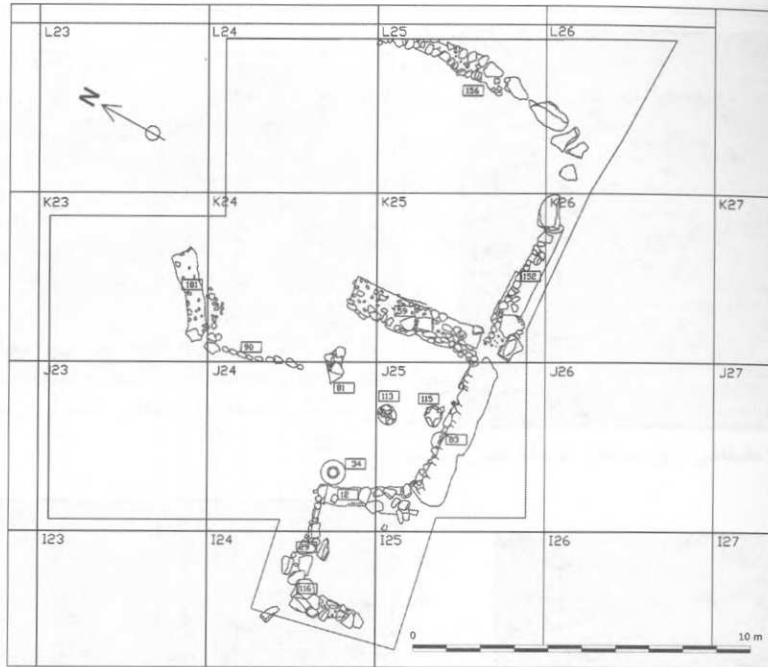


۴. ساختارهای معماری دومین مرحله سکونتگی. گمانه شماره ۳

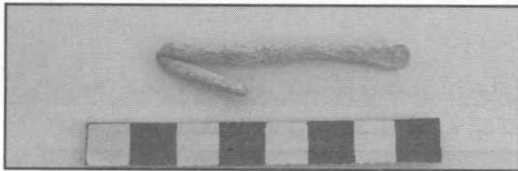
۲. محوطه ۷۶. واقع در بخش شرقی دره بلاغی



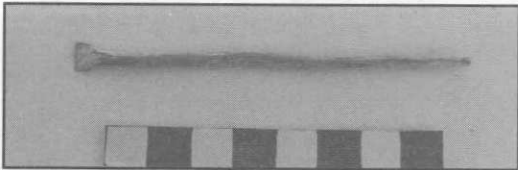
۳. طرح ساختار معماری دومین مرحله سکونتگی. گمانه شماره ۳



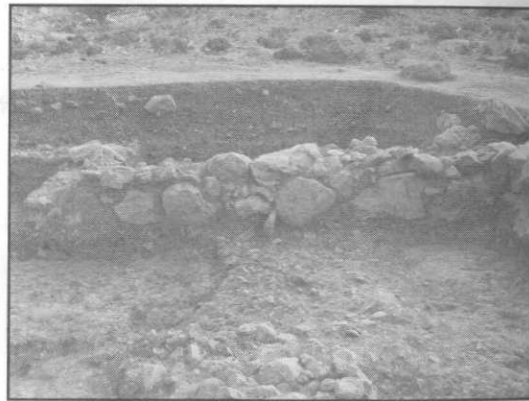
۵. ساختارهای معماری سومین مرحله سکونتی. گمانه شماره ۳



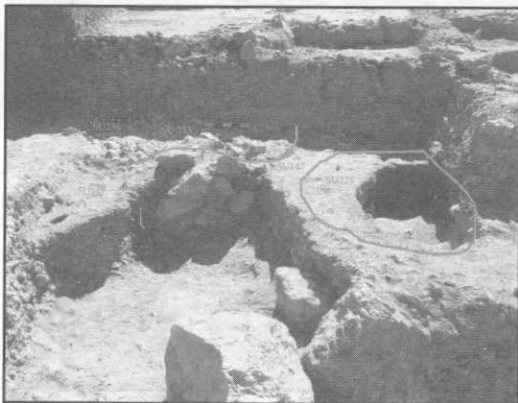
۷. قطعه شیء فلزی از جنس سرب با سر برگشته (شیء ش. ۳۶)



۸. میله فلزی از جنس سرب با سر تخت (شیء ش. ۳۷)



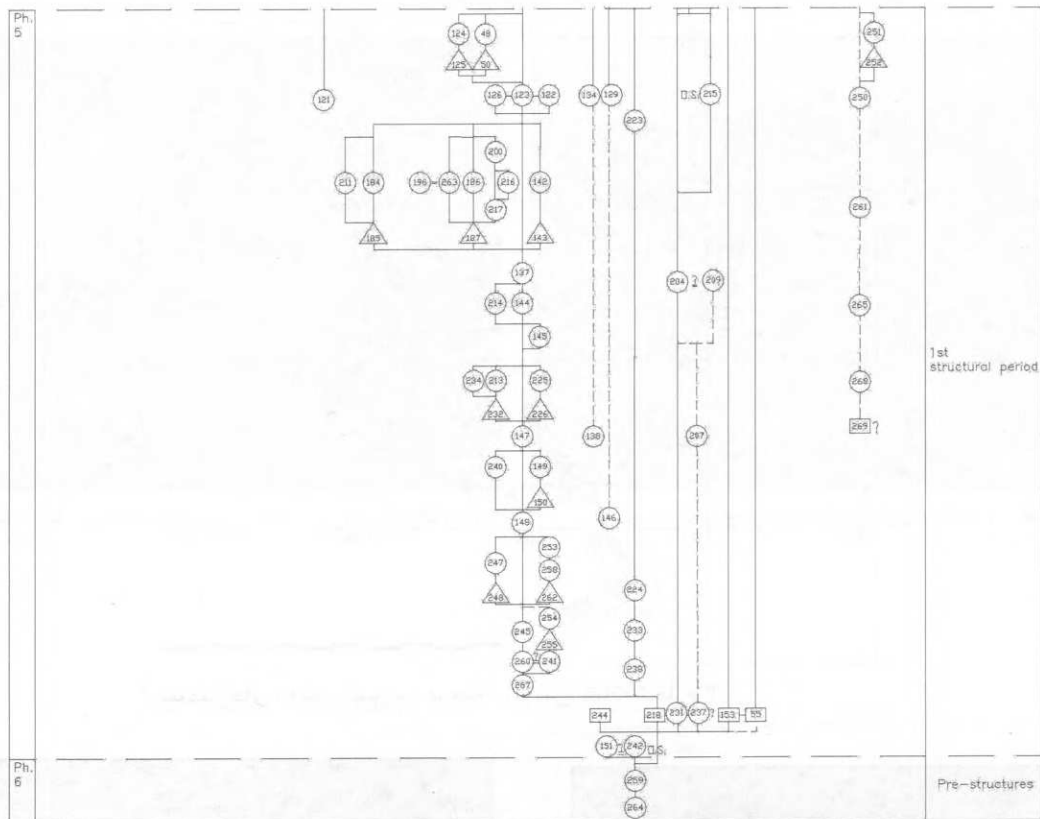
۶. بخشی از دیوار معماری سومین مرحله سکونتی (واحد ش ۵۹ گمانه شماره ۳)



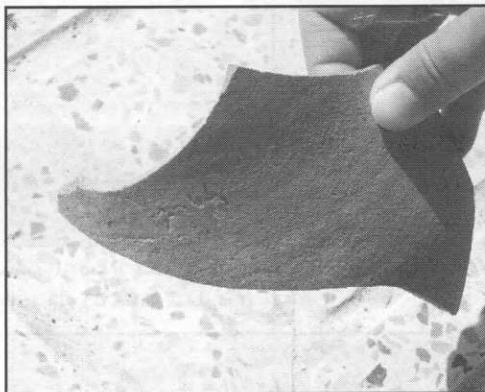
۱۰. گمانه شماره ۳. پنجمین مرحله سکونتی. حیاط و چاله‌های کنده شده در آن



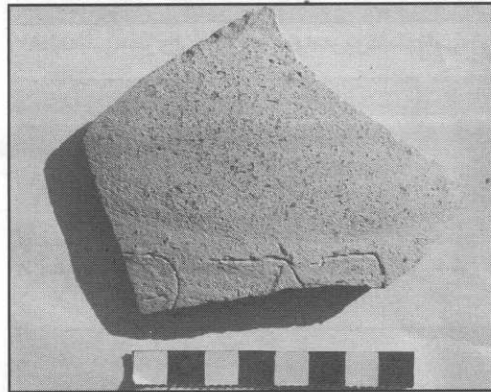
۹. گمانه شماره ۳. پنجمین مرحله سکونتی (دیوار ش ۲۱۸)



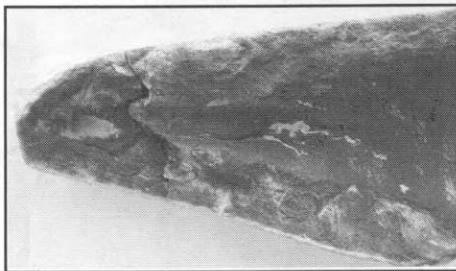
۱۱. گمانه شماره ۳. نمودار لایه‌نگاری که در آن توالی مرتب چاله‌ها و پرشدگی آنها مشهود است



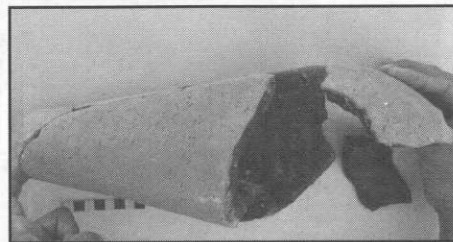
۱۳. سفال‌نیشته به خط آرامی شیء شماره ۴۱



۱۲. سفال‌نیشته به خط آرامی (؟) شیء شماره ۳۴



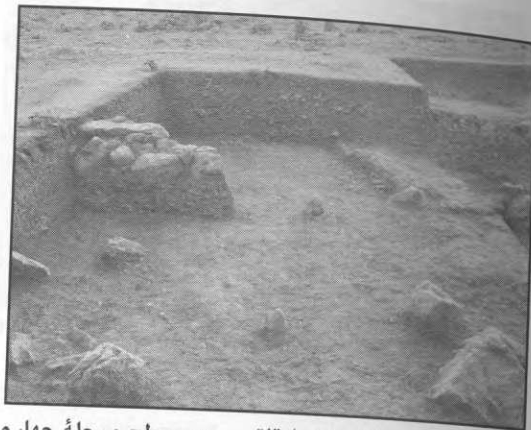
۱۵. جزئیات بخش داخلی ظرف



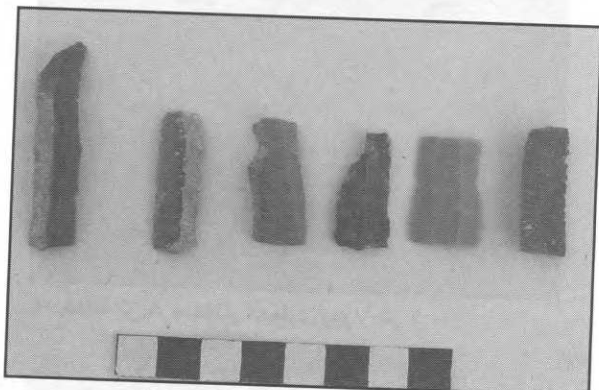
۱۴. قطعه‌ای از یک ظرف سفالی حامل از بافت واحدش ۲۲۵



۱۹. گمانه ش ۷. سفال دوره باکون الف. از مرحله چهارم در این گمانه



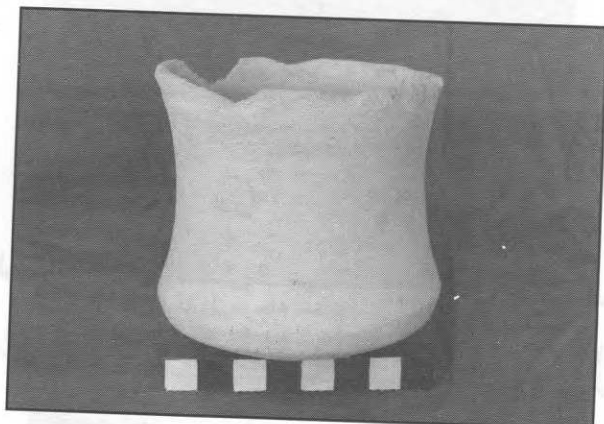
۱۶. گمانه ۳. مرحله میان طبقاتی. روی سطح مرحله چهارم



۲۰. گمانه ش ۷. ابزار سنگی از سومین مرحله سکونتی



۱۷. تهنشست رسوب در بستر آوار. گمانه ش ۷



۲۱. گمانه ش ۱. ظرف سفالی. شیء ش ۱۷

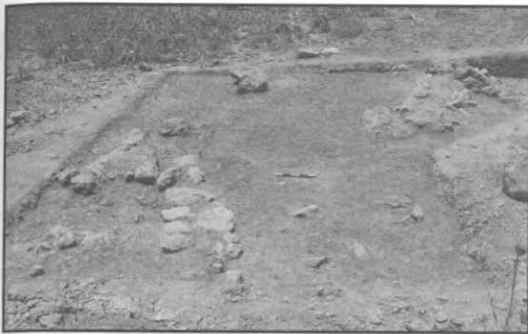


۲۲. گمانه ش ۷. سر پیکان. شیء شماره ۳۸

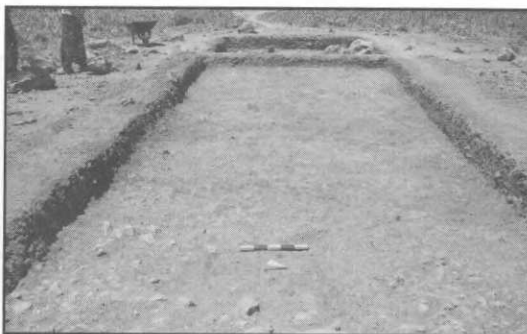


۱۸. گمانه ش ۷. کاوش در مرحله مس و سنگ. پیش از تاریخ





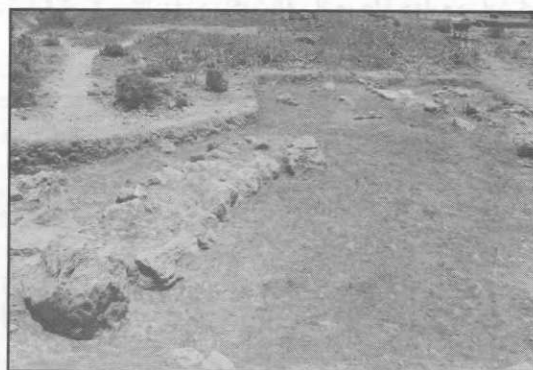
۲۴. گمانه ش ۹، ساختارهای پراکنده معماری



۲۳. گمانه ش ۸، چشم‌انداز کلی و ساختار معماری ش ۷



۲۶. تکه سفال‌های اسلامی از بررسی سطحی



۲۵. گمانه ش ۹، ساختار معماری دیوار. ش ۹



۲۸. گمانه ش ۱۰، دیوار مرحله دوم



۲۷. گمانه ش ۱۰، دیوار مرحله ششم

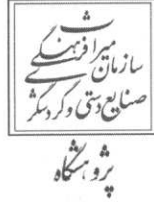


۳۰. محوطه ۳، گمانه ۳، چشم‌انداز کلی ساختارهای معماری



۲۹. محوطه ش ۷۶ و بخش عریض دره بلاغی

باسمه تعالی



پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

رئیس شورای کتاب: دکتر محمدرضا بذرگر

دبیر شورا: پیام غرابی

اعضای شورا: دکتر مژگان اسماعیلی

دکتر علیرضا بهرمان

مهندس بهزاد علی ثابت

مهندس مسعود علویان صدر

دکتر سید محمود میراسکندری

این کتاب بنا بر مجوز شماره ۹۰۲/۲۰۰/۱۰۰۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۸

شورای کتاب پژوهشگاه انتشار یافته است.

## فهرست

- ۹ ..... مقدمه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
- ۱۱ ..... مقدمه پژوهشکده باستان‌شناسی
- ۱۳ ..... گزارش دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی نجات‌بخشی هیئت مشترک ایران - آلمان در دره بلاغی: محوطه‌های ۷۳، ۹۱ و ۱۳۱ ..... مژگان سیدین ، باربارا هلوینگ
- ۳۹ ..... تأملی باستان‌شناسانه بر یافته‌های حوضه سد جره شهرستان رامهرمز ..... مهناز شریفی
- ۶۹ ..... کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه ۷۶ تنگ بلاغی، پاسارگاد ..... علیرضا عسکری چاوردی، پی‌یر فرانچسکو کلیری
- ۸۹ ..... گزارش‌های مقدماتی دومین مرحله از پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه نورآباد ممسنی فارس: کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های سروان (جن جان: قلعه کلی)، کورانگون و تل اسپید همراه با پژوهش‌های ژئومورفولوژی و آب و هواشناسی کهن ..... علیرضا عسکری چاوردی ، دانیل پاتس
- ۱۰۱ ..... پژوهش‌های باستان‌شناختی در دژ گل خندان، بومهن، فصل نخست - تابستان ۱۳۸۵ ..... علی فرحانی
- ۱۱۵ ..... گزارش اجمالی کاوش اسپه مزگت ..... یوسف فلاحیان
- ۱۳۱ ..... گزارش اجمالی گمانه‌زنی در محوطه تاریخی جمشیدآباد ..... یوسف فلاحیان
- ۱۴۵ ..... گمانه‌زنی به منظور لایه‌نگاری و مستندسازی بقایای معماری تپه قلعه‌خان، شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی .... عمران گاراژیان

- ۱۶۱ ..... گزارش بررسی باستان‌شناختی شرق شهرستان سراوان، بخش جالق  
حسین مرادی
- ۱۷۹ ..... تخت سلیمان پس از آباقاخان .....  
یوسف مرادی
- ۱۹۷ ..... خلاصه نتایج فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناختی هفت‌تپه زمستان ۱۳۸۵ .....  
بهزاد مفیدی نصرآبادی
- ۲۱۵ ..... بررسی‌های جدید باستان‌شناختی شرق سفیدرود (حوزه فرهنگی دیلمان) .....  
ولی جهانی - محمود موسوی
- ۲۲۳ ..... گزارش گمانه‌زنی و تعیین حریم شهر تاریخی زوزن .....  
حسن نامی
- ۲۴۳ ..... اولین فصل بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان جاسک، در محدوده دو دهستان کنگان و جاسک، بهار ۱۳۸۶ .....  
عباس نوروزی
- ۲۵۱ ..... گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناختی شهرستان خمیر، استان هرمزگان .....  
عباس نوروزی
- ۲۵۷ ..... تأثیر شرایط زیست محیطی بر فرآیند شکل‌گیری الگوهای استقراری دشت قزوین  
(بر اساس بررسی‌های سال ۸۵-۱۳۸۴) .....  
لی لی نیاکان
- ۲۷۳ ..... گزارش اجمالی گمانه‌زنی روستاهای الک، توبره ریز و شهر موجش شهرستان کامیاران، استان کردستان، ۱۳۸۵ .....  
صابر وفایی
- ۲۹۷ ..... معرفی روش ژئومتریک مورفومتریک و بررسی مجموعه‌های محوطه باستانی گوهرتپه با استفاده از این روش .....  
حامد وحدتی‌نسب، زهرا افشار، سید شهریار عرب
- ۳۰۷ ..... بررسی باستان‌شناختی حوزه شهرستان بستان‌آباد آذربایجان شرقی، تابستان ۱۳۸۵ - بهار ۱۳۸۶ .....  
رحیم ولایتی
- ۳۳۱ ..... گزارش گمانه‌زنی در محوطه تاریخی خانه آیت‌الله مروج (خلیل زاده) - پاییز ۱۳۸۵ .....  
حسن یوسفی
- ۳۴۹ ..... گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش در محوطه تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی .....  
حسن یوسفی
- ۳۶۵ ..... مقالات انگلیسی .....  
.....

سرشناسه:	گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (نهمین: ۱۳۸۶: تهران).
عنوان و نام پدیدآور:	مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. مجری طرح: مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه
مشخصات نشر:	تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با همکاری اداره کل روابط عمومی، امور فرهنگی و اجتماعی، اداره برنامه‌ریزی نشر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:	۴ جلد، مصور.
شابک:	دوره: ۹۷۸۹۶۴۴۲۱۱۸۸ جلد سوم: ۹۷۸۹۶۴۴۲۱۱۲۰۱ جلد چهارم: ۹۷۸۹۶۴۴۲۱۱۰۸۴
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
موضوع:	ایران - باستان‌شناسی - کنگره‌ها.
موضوع:	ایران - حفاری‌ها (باستان‌شناسی) - کنگره‌ها.
شناسه افزوده:	سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
رده‌بندی کنگره:	DSR۴۴ / گ ۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی:	۱۱۳۳۵۴۱
	جلد اول: ۹۷۸۹۶۴۴۲۱۱۹۰ جلد دوم: ۹۷۸۹۶۴۴۲۱۱۷۱



پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری  
پژوهشکده باستان‌شناسی

نام کتاب: مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (جلد چهارم)، تهران، ۱۳۸۶

تالیف: گروهی از نویسندگان

مدیر هنری و تولید: محمدرضا میری

ویراستار: شهرناز اعتمادی

مجری طرح: موسسه فرهنگی و هنری پیشین پژوه      تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۱۰۸۹

اجرا: کاترین اعظمی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۰

ناشر: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

شیراز، چهارراه ادبیات، خیابان چهل مقام، ساختمان شماره ۱، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

تلفن: ۰۷۱۱-۲۲۹۸۲۲۳

کلیه حقوق این اثر برای پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محفوظ است.





پرو، نگاه

۸۸۰۵

گزارش های باستان شناسی (۷)

مجموعه مقالات  
نهمین کنگره جهانی سالانه باستان شناسی ایران

جلد چهارم، تهران، ۱۳۸۶



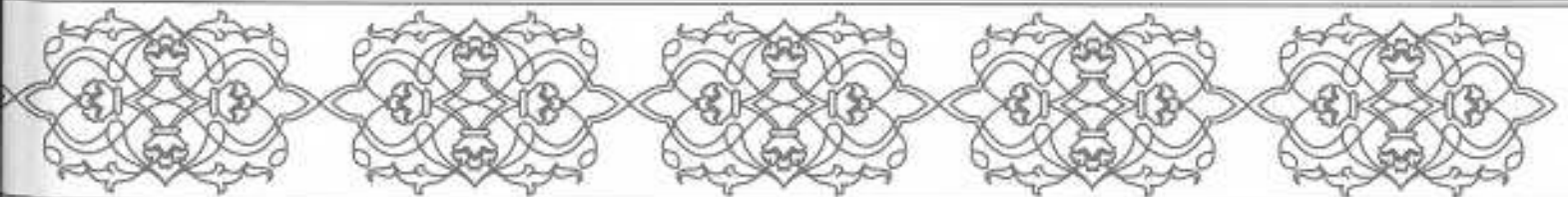


RICHITO

## **ARCHAEOLOGICAL REPORTS (7)**

# **On The Occasion Of The 9th ANNUAL SYMPOSIUM ON IRANIAN ARCHAEOLOGY**

**(4th Volume)**



ISBN-978-964-4211584



9 789644 421158 4

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال